

دیگری هم هست

● علیرضا غریب‌دوست، دبیر انجمن حقوق‌شناسی: حاج قاسم سلیمانی در اقدامی که با همه موازین و تعریف‌های ملی و بین‌المللی اقدامی تروریستی قلمداد می‌شود، به شهادت رسید. این در حالی است که حاج قاسم به حدی از محبوبیت در ایران و خاورمیانه برخوردار بود که ترور او از لحاظ منطقی به دلیل هزینه بسیار بالای سیاسی و گستردگی پاسخ احتمالی جمهوری اسلامی غیرممکن به نظر می‌رسید.

به این معنی که سرویس‌های امنیتی و نظامی کشورهای مخالف با جمهوری اسلامی ایران امکان ترو حراج قاسم سلیمانی را داشته‌اند؛ اما به دلیل محبوبیت ملی و حمایت‌تمام‌عیار داخلی و پرهزینه و خطرناک‌بودن واکنش جمهوری اسلامی، هیچ‌گاه چنین اقدامی از لحاظ منطقی متصور نبوده است.

اما اکنون دونالد ترامپ به‌عنوان یک احمق بی‌بدیل و فاقد درک از ابعاد چنین حرکت خطرناکی، دستور ترور یکی از برجسته‌ترین فرماندهان نظامی ایران را صادر کرده و با بلاهت تمام مسئولیت آن را نیز برعهده گرفته است! به دیگر سخن این از معدود مواردی است که دولت ایالات متحده آمریکا اقدام به ترور یک مقام رسمی نظامی کشور دیگری کرده و مسئولیت آن را برعهده می‌گیرد.

چراپی این اقدام، بیش از هر چیز به شخصیت ساده‌لوح، متوهم و بیماری خودشیفتگی رئیس‌جمهور آمریکا بازمی‌گردد.

او در درستی از امکانات نظامی آمریکا و عواقب استفاده از آن ندارد و کونه‌نظرانه به این اندیشیده است که صرف در اختیار داشتن قدرت نظامی برتر، ایجاد بازدارندگی کرده و می‌تواند امنیت مردم آمریکا را تضمین کند و مانع از واکنش‌های تلافی‌جویانه و متقابل علیه آنها شود. با این اوصاف، نکته مهم در این واقعه تلخ، چگونگی واکنش ایران به مسئله است. نگارنده این سطور مبتنی بر مفهوم «نگایت غیر» و «منافع ملی» بر این باور است که راه دیگری نمی‌از پاسخ نظامی علیه آمریکا و منافع آن در منطقه و جهان وجود دارد.

ای بسا بتوان با طرح فوری دعوا علیه ایالات متحده در دیوان کفبری بین‌المللی یا پیگیری مسئله از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد و به‌کارگیری ظرفیت‌های دیپلماتیک، حقوقی، سیاسی و رسانه‌ای، دولت آمریکا را از این اقدام زشت پشیمان کرده و هزینه‌های به‌مراتب بیشتری به این کشور تحمیل کرد و در برابر، هزینه واکنش به چنین رفتار خصمانه‌ای در برای کشور کاهش داد. ضمن اینکه بایسته است پاسخ محکمی به طرف مقابل داده شود؛ اما شایسته است این پاسخ و واکنش بر این‌مدت که راه درخوری و مبتنی بر درک منافع ملی و با استفاده از زمینه‌های سیاسی و حقوقی بین‌المللی صورت گیرد تا ناخواسته در مسیر جنگ و مخاصمه که مطلوب و مقصود ترامپ و شرکای منطقه‌ای اوست، قرار نگیریم و ابتکار عمل در دست ایران باقی بماند.

نگاه

زینب اسماعیلی: آنچه سحرگاه جمعه رخ داده، بدون شک معادلات منطقه و روابط بین‌الملل را تغییر می‌دهد. فارغ از موضع‌گیری‌های رسمی مقامات ایران در واکنش به ترور سردار سلیمانی، این موضوع می‌تواند آینده را به شکلی دیگر رقم بزند. درگفت‌وگو با کوروش احمدی دیپلماتی که سال‌ها مأموریت کاری‌اش را در نیویورک گذرانده و ایالات متحده را به خوبی می‌شناسد، به آنچه در پیش است پرداختیم.

■ به نظر می‌رسد ترور سردار سلیمانی توسط دولت آمریکا در شرایط سیاسی فعلی می‌تواند نقطه عطفی در معادلات پیش‌رو باشد. در چند سؤال تلاش می‌کنم تا تحلیلتان از این اتفاق را بشنوم. ابتدا باید سؤالی را که افکار عمومی از سحرگاه جمعه در ذهن دارد، بپرسم. چه چیزی پیش‌روی ماست؟ چه اتفاقاتی محتمل است؟ چه از سوی ایالات متحده چه از سوی جمهوری اسلامی.

قطعا ترور ایشان نقطه عطفی است و شاید بتوان گفت بعد از حمله آمریکا به سک‌های نفتی ایران در خلیج فارس در ۱۳۶۷، پریسک‌ترین اقدام آمریکا علیه ایران است. قطعا شرایط در دوره بعد از این تحول، دیگر مشابه شرایط قبل از آن نخواهد بود. مهم‌ترین سؤال هم همین است که شما گفتید؛ یعنی هم در ایران و هم در آمریکا و نیز در منطقه و جهان سؤال این است؛ چه خواهد شد. به نظر می‌رسد آمریکا اکنون وارد فاز کنترل و تثبیت اوضاع شده. تئویت ترامپ مبنی بر اینکه ایران همیشه برنده مذاکره و بازنده جنگ است هم متضمن تهدید است هم تشویق. پیام ارسالی از طریق سفارت سونیس نیز باید مضمون مشابهی داشته باشد. مهم‌تر نحوه واکنش ایران است چون ممکن است عده‌ای تصور کنند حتما باید پاسخی درخرو داده شود و این پاسخ هم حتما نظامی باشد. من فکر می‌کنم مقامات ما باید با حوصله، درایت، تدبیر و دوراندیشی در این مورد اقدام کنند. راهبرد اجتناب از جنگ همیشه باید در مواجهه با این اتفاق مدنظر باشد؛ یعنی ما نباید راهبرد خود را فراموش کنیم و تسلیم جریان باد شومیم که هر جا خواست ما را ببرد. قطعا سردار سلیمانی فرمانده بسیار باارزشی بود و جای او ممکن است به راحتی پر نشود اما منافع ملی، بقای ملی، حفظ جایگاه منطقه‌ای ایران، جلوگیری از جسورشدن رقبای منطقه‌ای، جلوگیری از ایجاد زمینه برای رشد تروریست‌های تکفیری و مانند آن باید در مرکز توجه مسئولان ما قرار داشته باشد.

■ چرا ایالات متحده تاکید دارد اعلام کذب این دستور به فرمان شخص ترامپ انجام شده است؟ این تاکید بیشتر در چارچوب سیاست داخلی آمریکا و بحث‌هایی که در مورد اختیارات جنگی رئیس‌جمهور مطرح است، معنی دارد؛ به این معنی که تصمیم برای این اقدام از جانب رئیس‌جمهور که دارای اختیارات است، گرفته شده و نه توسط اعضای

کابینه یا فرماندهان نظامی در منطقه. اصولا معمول است که هر اقدام نظامی در مواجهه با طرف‌های خارجی، اعم از دولت‌ها یا بازیگران غیردولتی، حتما باید توسط رئیس‌جمهور گرفته شود. البته بحث اختیارات جنگی رئیس‌جمهور بحث مهمی است و دموکرات‌ها در ۲۰۱۸ در دو نوبت تلاش کردند دست ترامپ را برای ردن هر گونه ضربه نظامی بدون مجوز کنگره به ایران ببندند. در اولین مورد لایحه مربوطه در سنا تصویب نشد و در مورد دوم نیز تلاش دموکرات‌ها برای درج بندی در لایحه بودجه نظامی ناموفق باقی ماند.

■ چنین اقدامی از سوی آمریکا نظیر دارد؟

فکر نمی‌کنم مشابه این اقدام توسط آمریکا در گذشته صورت گرفته باشد. اقدام علیه سردار سلیمانی از آن جهت شاید بی‌سابقه باشد که ایشان یک مقام دولتی و یکی از فرماندهان شاخه‌ای از نیروهای نظامی یک کشور عضو سازمان ملل بود. قطعا چنین اقدامی از نظر حقوق بین‌الملل غیرقانونی است و بهانه‌هایی مانند «طرح‌ریزی حملات قریب‌الوقوع» و تلافی کشتن سربازان آمریکایی در گذشته یا ادعای ترامپ مبنی بر اینکه این اقدام برای جلوگیری از جنگ بوده، بیشتر جنبه تبلیغی و لفاظی دارد و فاقد هرگونه مبنا و جاهت قانونی است. همان‌طور که یکی از کارشناسان سازمان ملل خاتم آتی‌پس کالامان نیز خاطرنشان کرد در واقع، کشورها مجاز نیستند به صرف ادعا اقدام به ترور افراد، به‌ویژه مقامات سایر کشورها کنند. بحث جلوگیری از حمله قریب‌الوقوع از طریق ضربه پیش‌دستانه یا preemptive strike در چارچوب حقوق بین‌الملل زیاد مورد بحث قرار داشته و برخی مدعی‌اند چنین چیزی را می‌توان از ماده ۵۱ منشور در مورد دفاع از خود استنباط کرد. در سالل ۲۰۰۳ دولت بوش تلاش داشت حمله به عراق را در این چارچوب توجیه کند و اسرائیل نیز بر همین مبنا در جهت توجیه تجاوزش به کشورهای عربی در ژوئن ۱۹۶۷ کوشیده است.

دیپلماسی

کوروش احمدی، دیپلمات و کارشناس روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «شرق»:

شرایط مشابه قبل نخواهد شد



عکس: رنوف رستنی

البته نظر حقوقی غالب این است که چنین استنباطی از ماده ۵۱ درست نیست و چراغ‌سبزی است به همه متجاوزان برای اقدام به تجاوز و سپس توجیه تجاوزات‌شان. البته همین استنباط شبه‌حقوقی نیز در ارتباط با جنایت آمریکا علیه سردار سلیمانی یعنی یک فرد و این ادعا که ایشان طرح‌هایی برای کشتن آمریکاییان در دست اقدام داشته، نمی‌تواند کاربرد داشته باشد. دموکرات‌های کنگره نسبت به این ادعا معترض شده‌اند. آنها بر آن‌اند هیچ جزئیاتی درباره «این طرح‌ها» به کنگره داده نشده و حتی بر خلاف هیچ اطلاعی به رهبران کنگره در مورد اصل عملیات هم داده نشده بود، چه رسد به جزئیاتی برای توجیه دلیل این ترور به عبارت دیگر، در آمریکا نیز بسیاری توجیهات تیم ترامپ را رد می‌کنند.

■ عراق به چه سمتی می‌رود؟ منظر شما درباره این کشور چیست؟

عراق در یکی از دشوارترین مقاطع حیات سیاسی‌اش به سر می‌برد؛ ساختاری که در ۱۷ سال گذشته یعنی بعد از سقوط صدام در حال شکل‌گیری بود، سخت در معرض خطر و فروپاشی قرار گرفته است. معترضان عراقی طی سه‌ماهه گذشته سخت با نظام سهمیه‌بندی برای اپت‌ها و سمت‌ها در دولت و نقش احزاب در کسب این سهمیه‌ها مخالفت کرده و خواستار براندازی آن شده‌اند. این اعتراضات به استعفاي نخست‌وزیر انجامید و رئیس‌جمهور نیز در مخالفت با شخص توصیه‌شده از سوی گروه فتح در پارلمان برای نخست‌وزیری از سمت خود استعفا داد. بنابراین اکنون دو سمت مهم نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری با کفیل اداره می‌شود و نوعی بلاتکلیفی و تزلزل بر زندگی سیاسی در عراق حاکم است. دور جدیدی از بی‌ثباتی که در جمعه ۲۷ دسامبر با حمله به یک مقر نظامی و کشته‌شدن یک مقاطعه‌کار آمریکایی شروع شد و با حمله آمریکا به پنج مقر کتائب حزب‌الله و ترور سردار ییشت‌وزیری و ریاست‌جمهوری با کفیل اداره کشور را بیشتر کرده است. اکنون مهم‌ترین سؤال، علاوه بر تعیین نخست‌وزیر، تعیین تکلیف پنج هزارو ۲۰۰ سرباز آمریکایی در عراق است. مجلس و دولت‌های مختلف با این پیش‌فرض که برای مبارزه با داعش نیاز به حمایت نظامی آمریکا دارند، پذیرای نیروهای آمریکایی شده‌اند(البته برخی هم از این طریق دنبال توازن قوا با ایران هستند). اما اکنون تجاوز این نیروها به استقلال و حاکمیت ملی عراق ادامه حضور آنها در کشور را سخت زیر سؤال برده است. پارلمان عراق قرار است امروز بکشنه نشست فوق‌العاده‌ای در این‌باره داشته باشد و درباره ادامه حضور یا اخراج سربازان آمریکایی تصمیم بگیرد. این تصمیمی است که به هر شکل که باشد، می‌تواند آینده عراق را شدیداً تحت تأثیر قرار دهد.

در چنین شرایطی سؤال این است که با توجه به این تحولات و حوادث و روشن‌نبودن آینده، سرنوشت این کشور چه خواهد بود. فرض بر این است که در صورت وخامت اوضاع نیروهای افراطی مانند داعشی می‌توانند بیشتری بهره را از اوضاع جاری ببرند. بدیهی است فعال‌شدن مجدد این تکفیری‌ها برای ما نیز خطر بسیار بزرگی است. البته در میان این همه اتفاقات بد، خبر خوب این است که در ماه‌های گذشته اختلافات قومی در حداقل خود قرار داشته و کردها، سنی‌ها و شیعیان بیش از گذشته نظر مثبتی نسبت به همکاری با هم نداشته‌اند.

■ ترامپ در یکی از واکنش‌های توییتری باز هم بحث مذاکره را مطرح کرده است؟ چرا او در چنین شرایطی مذاکره را مطرح می‌کند؟ اساسا با این اقدام دورنمایی از کره‌کشایی در رابطه تهران-واشنگتن می‌بینید؟

من فکر نمی‌کنم این بار منظور ترامپ واقعا مذاکره بود. او در تئویت خود در واقع ادعای قبلی‌اش را تکرار کرده به این مضمون که ایران در هیچ جنگی برنده نشده، اما در هر مذاکره‌ای برنده شده. اگر چه در گذشته این عبارت را می‌شد به تشویق ایران برای مذاکره تفسیر کرد، اما این بار فکر می‌کنم هدف او بیشتر انذاردادن و برحذرداشتن ایران از اقدام تلافی‌جویانه باشد که به جنگ منجر شود. به عبارت دیگر، او می‌گوید اقدام شما برای انتقام به جنگ منجر می‌شود و شما در هر جنگی بازنده هستید. به‌طور کلی، فکر می‌کنم بعد از سفر آقای روحانی به ژاپن و بی‌نتیجه‌ماندن مذاکرات درباره تخفیف تنش با آمریکا (حداقل در کوتاه‌مدت) کار دیپلماتیک برای حل مشکل بین

ایران و آمریکا تا حدود زیادی کم‌فروغ شده است، چراکه روشن شد ترامپ حاضر به دادن هیچ نوع امتیازی مانند مثلا تعلیق بخشی از تحریم صدور نفت نبوده است. برخی معتقدند ترامپ در پی اعتراضات آبان‌ماه در ایران این تصور را پیدا کرده که سیاست فشار حداکثری‌اش دارد جواب می‌دهد و لازم نیست امتیازی بدهد. موضوع کاهش تعهدات برجامی ایران را نیز باید به این معادله اضافه کرد که موجب دشواری بیشتر خواهد شد. بنابراین دورنمای کره‌کشایی از روابط با واشنگتن حداقل در چند هفته یا چند ماه آینده خیلی روشن نیست. اما با توجه به پویایی بالای امور همیشه احتمال تحول غیرمترقبه‌ای وجود دارد.

■ پمپئو از اولین ساعات روز جمعه در واشنگتن، رایتی تلفنی با مقامات کشورهای همسایه ایران را آغاز کرده است؛ از ژنرال باجوا در پاکستان تا امارات و... به نظر شما او دنبال چیست؟ نگران تهدیدشدن پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشورهاست یا دنبال یارگیری و ائتلاف‌سازی منطقه‌ای؟

به طور معمول بعد از تحولات این‌چنینی کشورها می‌کوشند تا روایت خود را به گوش مقامات دیگر کشورها برسانند و در شکل‌گیری ذهنیت آنها در مورد تحولی که حاصل شده، نقشی فعال داشته باشند و نیز اطمینان‌ها یا هشدارهایی را بدهند و احیاناً درخواست‌هایی را بکنند. این تماس‌های تلفنی را باید در این رابطه دید که امری عادی و قابل انتظار بوده است. این امر البته در راستای ائتلاف‌سازی نیز که یکی از شقوق بسیار مهم دیپلماسی است، قرار دارد. در مورد برخی از کشورهای منطقه، این ادعا در برخی رسانه‌ها و به‌ویژه از جانب کسانی که نسبت به ایران نظر منفی دارند نیز مطرح شده که ممکن است ایران در مقام تلافی، متوجه برخی اهداف نرم شود و کشورهای منطقه را که متحد آمریکا محسوب می‌شوند هدف قرار دهد. بنابراین، این تماس‌های تلفنی در مواردی ممکن است متوجه این امر نیز باشد.

■ گفته شد این موضوع ممکن است در نشست شورای امنیت بررسی شود. با توجه به وزن کشورهای عضو و ناظر در این جلسه چه احتمالاتی وجود دارد؟

در این رابطه اقداماتی از سوی ایران انجام شده، از جمله ارسال نامه‌ای با امضای آقای روانچی به دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت در روز جمعه که در آن خواسته شده تا اقدام آمریکا توسط شورا محکوم شود. آقای ظریف هم با دبیرکل صحبت کرده است، اما به‌طورکلی قراردادن موضوعات در دستور کار شورای امنیت به نحوی که جلسه‌ای در مورد آن تشکیل شود و این جلسه احیاناً منجر به تصمیمی یا قطع‌نامه‌ای شود، به فراهم‌شدن شرایط دشواری بستگی دارد؛ مثلاً یکی از اعضای شورا یا دبیرکل در چارچوب ماهه ۹۹ منشور یا چندین عضو سازمان ملل باید بپذیرند تا در این مورد درخواستی مطرح کنند. در این مورد خاص با توجه به اینکه طرف دعوا یک عضو دائمی شورای امنیت است، کار بسیار دشوارتر خواهد بود.

■ آنچه پیش‌روی ترامپ است نیز منظر روشنی ندارد و دیگر مشکل می‌تواند از شرایطی که ایجاد کرده عقب‌نشینی کند. انتخابات در پیش است و دموکرات‌ها به همین دلیل از او انتقاد می‌کنند.

مواقعهم، کار برای خود ترامپ هم دشوار شده. او اکنون قدم در راه باطل و بی‌سرانجامی گذاشته که بازگشت از آن نیز می‌تواند برایش خسارت‌بار باشد. اساسا مشخص نیست که چه اتفاقی افتاد که ترامپ برخلاف رویه خوُسرد قبلی‌اش در مورد حملاتی در دریای عمان و سرنگونی پهباد آمریکایی و حمله حوثی‌ها به تأسیسات آرامکو به‌یک‌باره رویه‌ای چنین دقتا نه‌اجمی پیشه کرد و چرا بدون مقدمه و بدون هشدار، اسپر، وزیر دفاع آمریکا، روز پنجشنبه از اینکه «بازی تغییر کرده است» سخن گفت. چرا بازی تغییر کرده است، به دلیل کشته‌شدن یک مقاطعه‌کار آمریکایی؟ واکنش آمریکا در قبال کشته‌شدن این مقاطعه‌کار نیز خارج از تناسب بود. آمریکا می‌توانست به زدن یکی، دو مقر حشدالشعبی در همان مناطق اطراف پایگاه کی ۱۱ گفتا. حمله به پنج پایگاه حشد در عراق و سوریه و ترور ۲۵ نیروی حشد و زدن انبارهای مهمات که برای مقابله با داعش در منطقه لازم بودند، چرا. حمله به سردار سلیمانی چرا.

■ آیا این سیاست جدید در ارتباط با کرنگ‌کردن بحث استیضاح ترامپ نمی‌تواند قابل طرح باشد.

یکی از فرضیه‌ها همین است. ممکن است او خواسته باشد موقعیت خود را در آستانه محاکمه در سنا تقویت کند. ادعای مکرر او در ۲۰۱۲ مبنی‌بر اینکه اوپاما به‌خاطر پیروزی در انتخابات، در پی جنگ با ایران است، این فرضیه را تقویت می‌کند. شاید ترامپ در ذهن ساده‌اش اکنون به این نتیجه رسیده باشد که جنگی از راه دور با ایران ممکن است به اهداف سیاست داخلی‌اش یاری رساند. فرضیه دیگر ناامیدی مطلق او از هرگونه شناسن مذاکره با ایران و حل مشکل از طرق دیپلماتیک باشد، به‌ویژه بعد از سفر آقای روحانی به ژاپن و بعد از اعتراضات آبان‌ماه در ایران. اشکال دیگر کار این است که او اکنون دو وزیر تندرو؛ یعنی اسپر و پمپئو را نیز در کنار خود دارد.

یادداشت

شخصیت سردار قاسم سلیمانی چه چیزی دارد که او را به یک فرمانده مقتدر بدل کرده است؟

راز محبوبیت یک فرمانده



مهدی ملک‌محمدیان، روان‌شناس

● روان‌شناسان شخصیت هشدار می‌دهند که شخصیت آدمی بسیار پیچیده است و برای شناخت آن حتما باید ابزارهای متعددی مانند آزمون‌های شخصیت، مصاحبه‌های بالینی و مشاهده علمی داشت تا شاید بتوان اندکی از شخصیت پیچیده هر آدمی را شناخت. این هشدار را باید جدی‌تر گرفت. وقتی می‌خواهی درباره شخصیتی مانند سردار شهید قاسم سلیمانی نظر علمی بدهی باید رازورمز او را بشناسی، چراکه او شخصیتی کم‌حرف و در سایه بود و اطلاعات چندانی از رفتارها و گفتارهایش در دست نیست تا از آن طریق بتوان شخصیتش را شناخت. اما روان‌شناسان شخصیت نیز می‌دانند که آدمی کنج‌گاو است و این کنج‌گاو که در مورد شخصیت‌های آدمی و ناشناخته بیشتر می‌شود، به همین دلیل برخی از روان‌شناسان شخصیت بیان کرده‌اند در صورتی که با فقدان یا کمبود اطلاعات بالینی (نتایج آزمون‌ها یا مصاحبه‌های بالینی) مواجه شده‌ایم، می‌توان از منابع دیگر اطلاعاتی نظیر رصد رفتارها و گفتارهای فرد و خاطرات نزدیکانش و ویژگی‌های شخصیت او بی برد. حال، سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که این ویژگی‌های شخصیتی چه هستند؟ روان‌شناسان شخصیت هر یک از منطری به این سؤال پاسخ داده‌اند. شاید بتوان گفت مهم‌ترین و کامل‌ترین پاسخ را می‌توان در مدل پنج عامل بزرگ شخصیت که دو روان‌شناس به نام‌های «پل کاستا» و «رابرت مک‌کری» طراحی کرده‌اند، یافت. این پنج عامل بزرگ و تعیین‌کننده شخصیت آدمی عبارتند از: «روان‌رنجوری (N)، برونگرایی (E)، گشوده‌بودن به تجربه‌های جدید (O)، توافق‌پذیری (A) و وجدانی‌بودن (C)». حال با توجه به منابع اطلاعاتی موجود می‌توان شخصیت سردار قاسم سلیمانی را در این پنج عامل بررسی کرد.

در عامل روان‌رنجوری، شش ویژگی بررسی می‌شود: اضطراب، خشم، افسردگی، شرم، تکانش‌گری و آسیب‌پذیری در برابر استرس. تصاویر فیلم‌های منتشرشده از فرمانده سپاه قدس ایران، گواه قطعی است بر اینکه سطح اضطراب و افسردگی و آسیب‌پذیری‌اش در برابر استرس در سطح بسیار بالینی قرار دارد. بلخنده‌های همیشگی او و آرامش نهفته در رفتار و گفتارش نشانمان می‌دهد این فرمانده محبوب ایرانی در وضعیت‌های نظامی پرالتحایی که سال‌ها تجربه کرده، تحت کنترل پنج ویژگی اضطراب، خشم، افسردگی، شرم و تکانش‌گری قرار نمی‌گیرد و نیز، استرس‌های طبیعی وظایف خطر و کن‌توانسته‌اند او را از میدان به‌در کنند. اظهارات ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا، استلنی مک‌کرستال، این موضوع را به خوبی روشن می‌کند: «او (سلیمانی) کارهایش را با آرامش و اثربخشی فوق‌العاده انجام می‌دهد».

یا در روایتی دیگر، ناظم دب‌باغ، نماینده حکومت اقلیم کردستان در ایران می‌گوید: «آرامش ایشان (سلیمانی) را فقط باید در جلسات ببینید. او به شکلی باورنکردنی آرام است. نمی‌دانم چطور بیشتر توضیح بدهم». در بررسی عامل برونگرایی می‌توان با اتکا به حضور اندک سردار سلیمانی در رسانه‌ها و علاقه او به بودن در سایه حسد زد که درون‌گرایی‌اش بر برونگرایی غالب است.

به دلیل همین سطح بالای درون‌گرایی است که چند رسانه خارجی عنوان «ژنرال نجبه و مرموز ایرانی» را به او داده‌اند. به گواه دوستان و نزدیکانش، سردار سلیمانی در تمامی جلسات، مختصر و مفید سخن می‌گفت و میل برونگرایی به پر حرفی و رفتارهای نمایشی پریه‌هاو در او دیده نمی‌شد. ناظم دب‌باغ دراین‌باره می‌گوید: «او حرف‌وحديث مقدمه و بدون هشدار، اسپر، وزیر دفاع آمریکا، روز پنجشنبه از اینکه «بازی تغییر کرده است» سخن گفت. چرا بازی تغییر کرده است، به دلیل کشته‌شدن یک مقاطعه‌کار آمریکایی؟ واکنش آمریکا در قبال کشته‌شدن این مقاطعه‌کار نیز خارج از تناسب بود. آمریکا می‌توانست به زدن یکی، دو مقر حشدالشعبی در همان مناطق اطراف پایگاه کی ۱۱ گفتا. حمله به پنج پایگاه حشد در عراق و سوریه و ترور ۲۵ نیروی حشد و زدن انبارهای مهمات که برای مقابله با داعش در منطقه لازم بودند، چرا. حمله به سردار سلیمانی چرا. داعش داشته و نامش بارها توسط مقامات سیاسی غربی و رسانه‌ها برده شده، شخصیتی رازگونه به او داده است که گاه روایت‌هایی که درستی و نادرستی‌اش را نمی‌توان اثبات کرد بر سر دهان‌ها می‌افشاد و او که از قرارگرفتن در کانون توجه دوری می‌کرد، توجهی دوچندان و گاه صدچندان می‌دید. «دکتر فلیکینگز» نویسنده مجله آمریکایی نیویورکر، در گزارشش بیش از ۱۰ هزار کلمه‌ای‌اش از معرفی این فرمانده ایرانی، به او لقب «فرمانده سایه‌ها» (Shadow Commander) یا «فرمانده پنهان» را داد. در بررسی عامل گشودگی به تجربه‌های جدید و به نظر به شواهد و اطلاعات موجود از فعالیت‌های سردار قاسم سلیمانی می‌توان دریافت این فرمانده سپاه قدس در سطح بالای این عامل قرار دارد، چراکه انتخاب فرماندهی نیرویی که در زمین‌های ناشناخته با دشمنان می‌جنگد، مهم‌ترین گواه برای این مدعاست. ژنرال مک‌کرستال در این زمینه می‌گوید:

ادامه در صفحه ۱۵

دانشنامه تحصيلی اینجانب اميد دائی جواد

فرزند کورش به شماره شناسنامه ۵۰۰۰ صادره از اصفهان در مقطع کارشناسی ارشد رشته عمران-سازه صادره از دانشگاه صنعتی اصفهان با شماره ۷۲۲۱۲/۹۱/۳۲۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتباری می باشد از یابنده تقاضای می شود اصل مدرک را به دانشگاه صنعتی اصفهان ارسال نماید.

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

کارت خودرو پژو ۲۰۷TU۵ رنگ مشکی متالیک

مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک ایران ۱۴- ۷۹۳ م ۵۸ و شماره موتور 163B0204947 و شماره شاسی NAAP13FE8FJ323546 به نام غلامرضا غفاری شوستری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی خودرو سمند سورن رنگ سفید روغنی

مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور 12489109425 و شماره شاسی NAACC1CF2AF431472 بنام روح اله دهقان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.